

# جایگاه حاج آقا نورالله در نزد مراجع و علمای ایران و نجف

۲۸



آن را موجب پاکیزگی و قبول طاعات می‌شمردند. محدث عالی‌مقام شیعه، آیت‌الله حاج میرزا حسین نوری، ملقب به محدث نوری با این کلمات از اقدامات مجتهد اصفهانی تقدیر می‌کند:

«نوع مسلمانان، سالهاست اثر اجابت در دعای خود نمی‌بینند و در مقام پیدا کردن سبب آن برنیامدند و به رفعی عیب آن را در دعا یا نقل آن پندارند و از این دعا به آن دعا و از این ناقل به دیگری منتقل شوند. و ندانستند که اول شرط اجابت، پاکیزگی مطعوم و ملبوس است و هرچه در آنها مذاقه کنند، اثرش را در آنجا مشاهده نمایند. حال چگونه باید شکر نمود آنانی را که در مقام نصرت مؤمنین و شکست رونق اعدای دین، برآمدند و عبدالله را از تلوث به اقدار ملحدین پاک نمودند.»<sup>۱</sup>

حاج آقا نورالله به عنوان یک مجتهد و زعیم دینی، اصول و برنامه اصلاحی و جهادی خویش را از دین حنیف اتخاذ می‌کرده و مانند سایر سیاسیون غیرمذهبی برای تبیین برنامه خویش از آرای متفکرین مغرب زمین استفاده نموده، بلکه با درک شرایط ایران عصر قاجار و آلام ملت ایران، آراء و اندیشه‌های خود را در زمینه مشروطیت و استقلال سیاسی و اقتصادی از دیانت اخذ نموده، لذا مبانی اندیشه او از فقه و دیانت برخاسته و لاجرم مورد تأیید علمای دین نیز قرار می‌گرفته است.

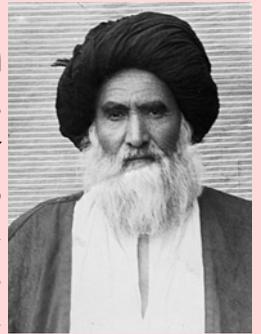
او در مورد واژه‌های آزادی، شورا، عدل، حکومت، مجلس، استبداد و استعمار به بحث پرداخته و می‌نویسد:

«آیا حکم اسلام این است که مسلمانان همه قسم ظلم بکشند و ساکت بنشینند تا اجانب، ممالک اسلامی را به تدابیر سیاسیہ متصرف شوند؟

موقعیت حاج آقا نورالله در اقدامات و اصلاحات اجتماعی و سیاسی از آنجا نشأت می‌گرفت که ریشه در اصول اسلامی و عقاید دینی داشته و تأیید و همراهی علما و مراجع زمان را به دنبال می‌آورده است. او که از موقعیت خانوادگی و علمی طراز اول برخوردار بوده و در درجه اول مورد تأیید همه علمای اصفهان بخصوص برادرش مرحوم آقا نجفی و سپس مورد تأیید علمای نجف و عتبات عالیات قرار داشته است. برای نمونه می‌توان به قسمتی از توصیف آیت‌الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء مصلح مشهور اسلامی در مورد او توجه نمود:

«... در اوایل عمرش به عراق هجرت نمود و در درس علمای آن سامان حاضر شد و از دریای علومشان سیراب شده و به اصفهان مراجعت نمود و دامن همت به کم زد. برای ترویج دین و اجرای احکام دینی راه پدر و برادر را پیش گرفت و فضلش مشهود گشت و فضلاء و طلاب گردش حلقه زدند. هنگام اقامه نماز در مسجد، بشمارای از مردم در جماعتش حاضر می‌شدند. او اکنون پناهگاه مردم در دردها و رنجها و خواسته‌های ماوی دهنده فقرا و سادات است. از خدا می‌خواهیم که او و برادرش را حفظ کند و بوسیله آندو، بیضه اسلام را حفظ نماید و شریعت سیدالمرسلین را نگاه دارد.»<sup>۲</sup>

امتیاز حاج آقا نورالله نسبت به سایر مصلحان آن دوره، حمایت مراجع و بزرگان شیعه از او در اقداماتش می‌باشد؛ چنانچه در مورد شرکت اسلامیة مورد تأیید مراجع عراق قرار می‌گیرد و همه آنها از تولیدات و ملبوسات شرکت پوشیده



آیا باید مسلمین ذلیل و زبون شوند؟ احکام اسلامیة منسوخ و قوانین اروپ کم کم جاری شود؟ تکلیف پیروی از احکام اسلام است...»<sup>۳</sup>

«وقتی که حضرت مبعوث شد، عرض کردند شما پادشاه هستید؟ فرمودند من پیغمبرم. یعنی از خودم امر و نهی ندارم و از جانب خدا پیغام آورده‌ام، به مصداق «وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی.» احکام من از خودم نیست و از جانب خلایق عالم است که بالملازمه دلالت دارد بر اینکه چیزی اگر بگویم که مطابق با حکم و قانون خدا نباشد و از روی هوی باشد، اطاعت آن لازم نیست. چه من پادشاه نیستم بلکه پیغمبرم و حکم دیگری را بر شما ابلاغ می‌کنم... این است حقیقت سلطنت مشروطه و این قانون مشروطه از اول اسلام بود تا زمان معاویه که در اخبار مسلم است که معاویه عنوان خلافت را به سلطنت مبدل نمود؛ یعنی بنا را بر این گذارد که احکام و راء خود را چه مطابق با قانون باشد چه نباشد مجری دارد و سلطنت خود را مطلقه نمود. و الی زماننا هذا سلاطین پیروی او را نموده و مشروطه را بالمرة از میان برده‌اند.»<sup>۳</sup>

۱. محمد حسین کاشف الغطاء، عقبات العنبرية فی طبقات الجعفرية، نسخة خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۲. نامه محدث نوری به حاج آقا نورالله، منتشره در روزنامه ثریا، سال ۱۳۱۷ قمری.

۳. کتاب مقیم و مسافر.